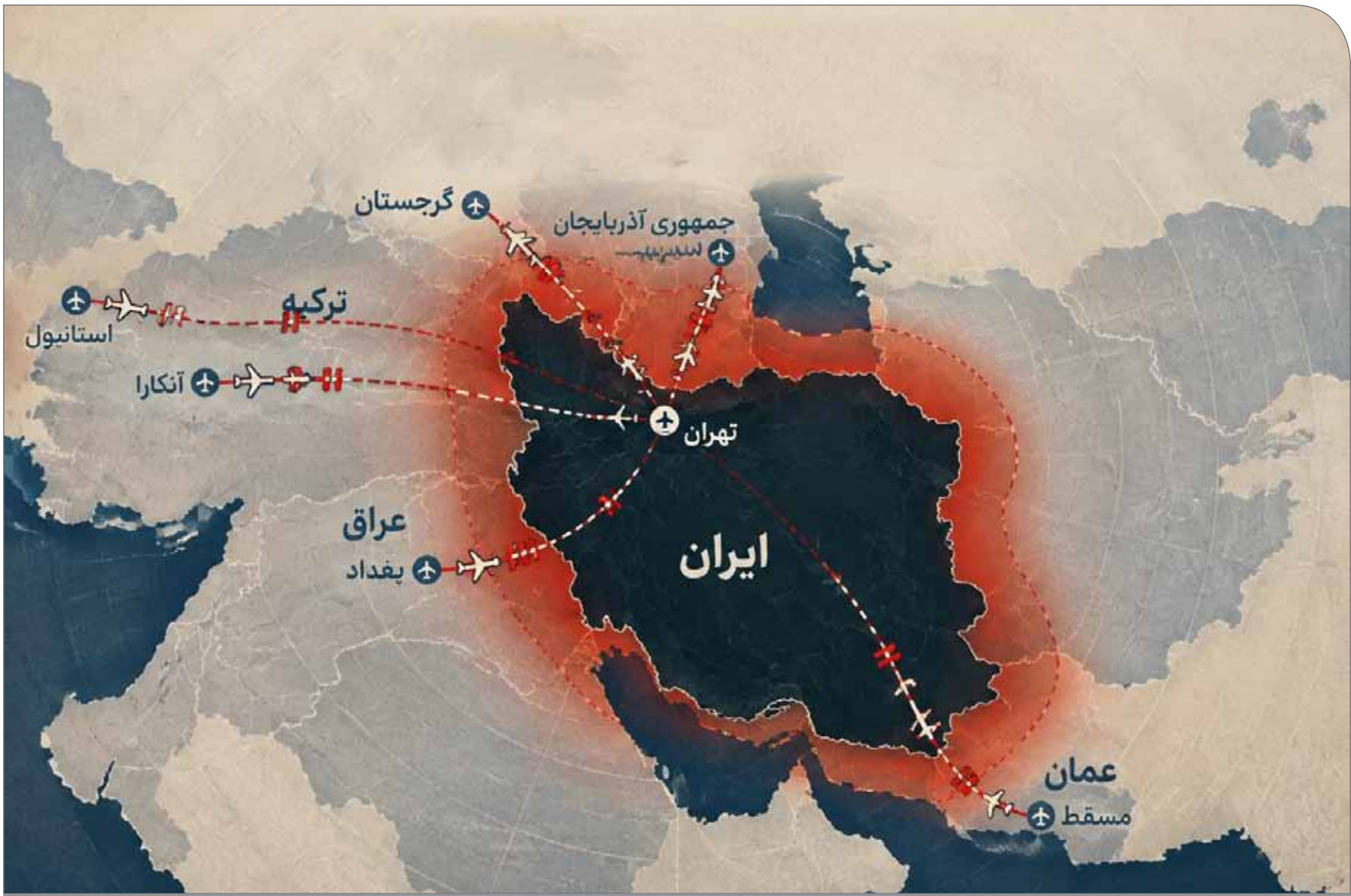


دست پنهان همسایگان در حبس هوایی ایران

نمک‌شناسی استراتژیک!



کیمیا ملکی: تقویم جهانی، پنجم مهر را روز جشن گردشگری نام‌گذاری کرده؛ اما برای اقتصاد سفر در ایران، تقویم روی برزخ متوقف مانده است. در روزهایی که هتلداران اصفهان، شیراز و یزد باید خود را برای آغاز فصل طلایی پاییز آماده می‌کردند، داده‌های رسمی دولتی از وقوع یک فروپاشی سنگین آماری پرده برمی‌دارند: سقوط ۵۱.۵ درصدی شمار گردشگران خارجی در ۳ ماهه نخست سال و افت سرگیزه‌آور ۸۰ درصدی ورود مسافران از مرزهای هوایی. این ارقام تکان‌دهنده زمانی وزن هولناک‌تری به خود می‌گیرند که شوک اجرایی شدن تحریم‌های جدید هوانوردی از باصدا یکم مهر نیز به آن ستقاق می‌شود: از بسته‌شدن آسمان باکو و قفل‌شدن خدمات‌دهی فرودگاه بغداد تا لغو سریالی پروازهای ماهان به استانبول، آنکارا و مسقط. حالا صنعتی که قرار بود جایگزین دلارهای نفتی شود، زیر سایه انزوای آسمان و تورم کمر شکن بلیت‌های چندمسیره، با صندلی‌های خالی و اتاق‌های خاک‌گرفته هتل‌ها روبه‌رو است؛ آیینهای تمام‌عیار از محاصره لجستیکی در نقطه صفر گردشگری.

سراب رکوردشکنی و حقیقت تلخ مرزها

پوسته آماری فریبنده است. داده‌های تفصیلی همان زمان نیز گواهی می‌دادند که بخش اعظم این سیل مسافران، نه توریست‌های اروپایی و شرقی با کوله‌پشتی‌های پر از دلار و یورو، بلکه کارگران فصلی، اتباع مهاجر و رفت‌وآمدهای روزمره قومی و خویشاوندی از کشورهای همسایه بودند که به‌ناچار در گیت‌های مرزی ثبت می‌شدند.

اما سراب رشد، دوام چندانی نیاورد. با آغاز سال ۱۴۰۴ و سایه‌اندازی ناامنی‌های منطقه‌ای، دومینوی سقوط با شیبی تند آغاز شد. در پایان سال ۱۴۰۴ ورودی‌ها با ریزش ۱۶.۱۳ درصدی

برای آنکه بفهمیم چطور پاییز امسال در شیراز و اصفهان به خزان زودرس بدل شد، ابتدا باید ماشین زمان را کمی به عقب برگردانیم. تا پیش از بالا گرفتن تنش‌های ژئوپلیتیک و زلزله‌های پی‌درپی منطقه‌ای، مدیران دولتی سرمست از آمارهای پسا‌کرونا، بر طبل فتح قله‌های گردشگری می‌کوفتند. کارنامه سال ۱۴۰۳ با ثبت رقم چشمگیر ۷ میلیون و ۳۹۹ هزار و ۵۰۳ مسافر ورودی بسته شد؛ عددی که با صدای بلند از تریبون‌ها اعلام و سندی بر رونق ادعا شد. اما اهالی اقتصاد از همان روز نخست تذکر می‌دادند که این عدد، یک

وقتی بال‌ها بسته شدند

بسته مانده بود، اکنون با قطع کریدور هوایی، عملاً به دیواری بتنی بدل شد. در عراق، دومین شوک ثبت شد؛ مدیر شهر فرودگاهی امام خمینی رسماً اعلام کرد که فرودگاه بین‌المللی بغداد ارائه خدمات زمینی و سوخت را به شرکت‌های هواپیمایی ایرانی متوقف کرده است. گرچه مسیر نجف برای جابه‌جایی زائران فعال نگه شد اما قطع شریان بغداد یعنی فلج شدن سفرهای دیپلماتیک، بازرگانی، دانشگاهی و از همه مهم‌تر، مسافران پزشکی طبقه مرفه پایتخت عراق که مقصد اصلی‌شان بیمارستان‌های خصوصی تهران بود.

در شرایطی که کارشناسان در پی یافتن راهکاری برای زنده نگه‌داشتن نبض نحیف این صنعت در روزهای پاییزی بودند، شوک بین‌المللی اول و دوم مهر ۱۴۰۵ همچون تیر خلاص بر پیکر هوانوردی ایران فرود آمد. از ساعت ۱۲:۰۱ بامداد ۲۳ سپتامبر به وقت شرق آمریکا، دور تازه‌ای از مقررات سخت‌گیرانه تحریمی علیه شبکه هوانوردی ایران به اجرا درآمد؛ مقرراتی که پایان مجوزهای پیشین برای سوخت‌گیری، هندلینگ زمینی و تعمیرات اضطراری را هدف قرار داد. گرچه در بیانیه‌ها ادعا می‌شد فرودگاه‌های جهان به روی پروازهای ایران بسته نشده‌اند اما واکنش دومینووار پایتخت‌های منطقه‌ای نشان داد که ریسک کار با ایرلاین‌های ایرانی به سقف رسیده است. آذربایجان بدون فوت وقت، از ۳۱ شهریور پرونده پروازهای شرکت‌های ایرانی به باکو را بست. کشوری که در رتبه پنجم مبادی ورودی مسافر به ایران قرار داشت و مرزهای زمینی‌اش سال‌ها بود روی مسافران عادی

ضربه مغزی تورسیم درمانی و سکوت لابی هتل‌ها

پیامد این انزوای هوایی تنها به سرگردانی مسافران ایرانی در آژانس‌ها ختم نمی‌شود؛ سمت مهلک ماجرا خشکانده شدن درآمد‌های ارزی نقد بخش خصوصی است. یکی از پول‌سازترین بخش‌های ده سال اخیر ایران، «گردشگری سلامت» بود. بیماران عراقی، عمانی و آذربایجانی روزانه صدها هزار دلار پول نقد را مستقیماً وارد چرخه هتل‌آپارتمان‌ها، جراحان خصوصی، کلینیک‌های پوست و چشم و مترجمان بومی می‌کردند. با مسدود شدن پروازهای باکو، قفل شدن فرودگاه بغداد و اختلال در مسیر هوایی مسقط، این بیماران مسیر خود را بدون لحظه‌ای درنگ به سمت استانبول، دبی و دهلی‌نو کج کردند؛ بازاریایی که با آغوش باز و پروازهای مستقیم روزانه در انتظار جذب این دلارهای سرگردان بودند. از سوی دیگر، فصل پاییز که در ادبیات گردشگری به ماه‌های رونق سنتی شهرهای مرکزی معروف بود، امسال به ماتمکده تورگردانان بدل شده است. هتل‌های پنج‌ستاره و سنتی لوکس شیراز، اصفهان، کاشان و یزد، که در سال‌های نه‌چندان دور از شش ماه قبل برای مهر و آبان جای خالی نداشتند، حالا بر اساس گزارش‌های میدانی تشکیل‌های هتلداری با ضرب اشغال زیر ۲۰ درصد دست‌وپنجه نرم می‌کنند. گردشگر اروپایی با شرق آسیایی که برای رزرو تور فرهنگی باید ریسک پروازهای چندمقصودی، نبود بیمه‌های پوشش‌دهنده بین‌المللی، هشدارهای قرمز امنیتی کنسولگری‌ها و بی‌ثباتی لغو ناگهانی خطوط پروازی را به جان بخرد، ترجیح می‌دهد خاورمیانه را از مقاصد امن‌تری چون اردن، مصر یا مراکش کشف کند.

مار پیچ تورم در بلیت‌های غیرمستقیم

آنچه امروز در باجه‌های آژانس‌های هواپیمایی سپری می‌شود، نوعی گروگان‌گیری لجستیکی است. برای مسافری که نیاز مبرم به سفر دانشگاهی، تجاری یا خانوادگی به یک مقصد منطقه‌ای دارد، کاهش ظرفیت ناوگان داخلی به معنای جهش چند صد درصدی هزینه‌هاست. مسیرهایی که تا پیش از این با یک پرواز مستقیم دو

ساعته و پرداخت هزینه‌ای معقول پیموده می‌شدند، اکنون باید با پروازهای کانکشن، توقف‌های طولانی‌مدت در دوحه، دبی یا ایروان و با تسویه یورپی و دلاری بلیت ایرلاین‌های خارجی طی شوند. این مکش سنگین ارزی، نه تنها جیب خانواده‌ها و فعالان اقتصادی را خالی می‌کند، بلکه خروج سرمایه نقدی از کشور را شتاب

می‌بخشد؛ پولی که باید در فرودگاه‌های داخلی و به ایرلاین‌های خودمان پرداخت می‌شد، مستقیم به خزانه خطوط هوایی امارات، قطر و ترکیه واریز می‌شود. نتیجه نهایی، تحمیل انزوایی عمیق به جامعه و راندن اقتصاد گردشگری به حاشیه ورشکستگی است؛ بازاری که حتی از عهده پر کردن صندلی هواپیماهایش نیز برنمی‌آید.

فاجعه در کریدورهای هوایی

وقتی لایه‌های آماری بهار را کنار می‌زنیم، فاجعه اقتصادی در شیوه ورود مسافران عیان می‌شود. مرزهای زمینی با افت ۴۱.۶ درصدی روبه‌رو شده‌اند که تا حدودی بازتاب‌دهنده ضرورت‌های تردد ناگزیر در پایگاه‌های مرزی پیرامونی است اما زلزله واقعی در دالان‌های هوایی و دریایی رخ داده است. ورود مسافر خارجی از طریق خطوط هوایی با سقوط تاریخی ۸۰.۱۱ درصدی مواجه شد و مرزهای آبی نیز ریزش ۷۹.۱۱ درصدی را تجربه کردند. افت ۸۰ درصدی آسمان یک پیام تک‌خطی و صریح برای فعالان بازار دارد: توریست کلاسیک، گردشگر تجاری و مسافر باکیفیت ترانزیتی عملاً صفر شده است. مسافری که از طریق خطوط پروازی وارد ایران می‌شد، همان مشتری اصلی تورهای تاریخی، خریدار صنایع دستی فاخر، مسافر هتل‌های پنج‌ستاره و مشتری کلینیک‌های جراحی پزشکی در تهران، شیراز و مشهد بود. سقوط هشتاد درصدی این گلوگاه به این معناست که زنجیره ارزش دلاری گردشگری پیش از آغاز پاییز خشکیده بود. ترکیب مبادی ورودی نیز تغییر ماهیت داد؛ اگر سال گذشته نام کشورهای نظیر آلمان، چین و کشورهای حاشیه خلیج فارس هرچند کمرنگ در ته جدول به چشم می‌خورد، در بهار امسال نقشه مبادی ورودی تقریباً به کشورهای پیرامونی مستقیم مانند عراق، افغانستان، ترکیه، ترکمنستان و پاکستان محدود شد و ردپای گردشگران تفریحی بین‌المللی تقریباً از روی نقشه محو گردید.

بحران ماهان و بن‌بست ترانزیت در استانبول و مسقط

دامنه این انسداد بلافاصله به ناوگان هواپیمایی ماهان رسید؛ ایرلانی که سال‌ها بار بخش عمده‌ای از سفرهای خاورمیانه‌ای و ترانزیتی کشور را به دوش می‌کشید. مسافران تهرانی که بلیت پروازهای ماهان به استانبول، آنکارا و مسقط را در دست داشتند، با پیامک‌های ناگهانی لغو پرواز روبه‌رو شدند. سازمان هواپیمایی عمان و ترکیه سکوت کردند، اما نتیجه عملی روشن بود: پروازهای این ایرلاین تحریم‌شده به مقاصد کلیدی همسایه متوقف شد.

پیامد فوری این شوک، انفجار قیمت‌ها و انحصار مقطعی بود. بار سنگین مسافران استانبول و آنکارا ناچاراً بر دوش معدود ایرلاین‌های داخلی فعال دیگر و پروازهای بسیار گران ترکیش‌ایر افتاد؛ پروازهایی که قیمت هر صندلی اکنونی آن‌ها در بازار سیاه تا ارقام نجومی و غیرقابل‌باور بالا رفت. در این میان، مقاصدی نظیر مسقط که در سال‌های اخیر به پایگاه کلیدی ترانزیت مالی، تجاری و گردشگری پزشکی جنوب کشور بدل شده بود، ناگهان با خلأ پروازی مواجه شدند. در گرجستان نیز چراغ‌قرمز تحریم‌ها برای پروازهای تفریحی و بانومی روشن شد تا مسیرهای توریستی محبوب ایرانیان یکی پس از دیگری مسدود یا مشروط شوند.

سخن پایانی

روز جهانی گردشگری سال ۱۴۰۵ برای ایران، نه فرصتی برای تریک بلکه زنگ خطری بی‌تعارف برای بقای یک صنعت است. تقاطع آمار هولناک بهار که از سقوط ۵۱ درصدی ورود مسافر و فلج شدن ۸۰ درصدی مرزهای هوایی پرده برداشت با زمین‌گیر شدن ناگهانی پروازها در باکو، بغداد، مسقط و ترکیه در ابتدای مهر، اثبات کرد که گردشگری جزیره‌ای جدا از دیپلماسی و آسمان بین‌المللی نیست. صنعت هتلداری و بوم‌گردی کشور نمی‌تواند صرفاً با خوش‌خیالی آمارهای مهاجرتی یا سفرهای تعطیلاتی ارزان بومی سرپا بماند. وقتی شریان هوانوردی کشوری مسدود شود، نخستین قربانی، تصویر اعتبار، امنیت و تبادل فرهنگی آن کشور است. گردشگری ایران امروز پشت دروازه‌های بسته‌شده ناوگان فرسوده و پروازهای تحریمی گرفتار آمده پاییز آمده است اما برای هتل‌ها و فعالان گردشگری این تاریک‌ترین و سردترین پاییزی است که تا به حال تجربه کرده‌اند.

